

مبارزه با بحران زیست محیطی مستلزم مبارزه با سیستم سرمایه‌داری است

گفتگوی مجله باستا با "نانومی کلاین"

به نظر می‌رسد زمین را حادثه‌ای ناگوار تهدید می‌کند. چرا به رغم آگاهی از تبعات خطرناک آن، هنوز هیچگونه اقدام جدی جهت پیشگیری، صورت نگرفته است؟

نانومی کلاین: اینطور نیست که کاری انجام نشده است. در حقیقت، این بحران ثمره‌ی اجرای سیاستها و برنامه‌های مخرب اکولوژیستی، است. "بسط و توسعه" در سیستم اقتصادی حاکم بر جهان با کامیابی و کامروایی نامحدود تعریف می‌شود. در این روند، هر گونه بسطی، سودمند و مفید بشمار می‌آید. سرعت انتشار گازهای گلخانه‌ای در اتمسفر بسیار سریعتر از دهه‌ی ۱۹۹۰، در حال افزایش است. صعود قیمت نفت در دهه‌های اخیر، انگیزه‌ی شرکتهای سوخت فسیلی جهت استخراج منابع گرانتر و خطرناکتر از جنبه‌ی قابلیت ساطع‌کنندگی گازهای گلخانه‌ای نظیر قیر زغال سنگ را فزونی بخشیده است. سیستم اقتصادی حاکم بر جهان به شرکتهای فراملی اجازه می‌دهد، در جستجوی

نیروی کار و انرژی ارزان قیمت بدون هیچگونه قاعده و محدودیت مشخصی، فعالیت کنند. همین سیاست به خصوصی سازی منابع زیر زمینی سوخت فسیلی و استفاده ی بی رویه از آن، انجامیده است. این اعمال موجبات تشدید تخریب محیط زیست و تغییرات سریع و مضر آب و هوایی را فراهم ساخته است .

آیا اعتقاد دارید که شرکتهای تجاری مانند "آکسون موبیل"، "بی پی" و "شل" به زمین اعلام جنگ داده اند؟

نانومی کلاین: شیوه ی عملکرد شرکتهای مزبور بر پایه ی دستیابی و چیرگی بر منابع سوخت فسیلی هر چه بیشتر، استوار است. این، دقیقا همان شیوه ای است که برای محیط زیست خطرناک و جنبش زیست محیطی با آن مخالف می باشد. تحقیقات پیرامون میزان دی اکسید کربن طی سه سال اخیر ثابت می کند که میزان کربن صنعت سوخت فسیلی در جهان پنج برابر افرونتر از میزان مقرر و تعیین شده جهت نگاه داشتن دمای سطح زمین پایین دو درجه که دولتها از جمله دولت کانادا در نشست کپنهاگ متعهد شدند، است. این در حالی است که دمای پایین تر از دو درجه نیز برای بسیاری از مناطق خطرناک، اعلام شده است. تحقیقات یاد شده مبین اعلام جنگ شرکتهای فراملی به محیط زیست و عملکرد ویران کننده ی آنان، است. بدین سبب، شرکتهای مزبور می کوشند تا گرم شدن زمین را پدیده ای طبیعی، عنوان کنند. آنان با بکارگیری دانشمندان و محققان و اتکاء به سیاستمداران دولتی سعی می کنند تا هر گونه حرکت جدی برای نجات زمین؛ خواه " افزایش میزان مالیات شرکتهای سوخت فسیلی"، خواه "پیشنهاد بهره برداری از انرژیهای پاک و تجدید شدنی" و یا هر شکل و صورت دیگری، را متوقف سازند .

چرا این شرکتها از مجازات معاف می شوند؟

نانومی کلاین: شرکتهای سوخت فسیلی بویژه نفتی، قدرتمندترین شرکتها در جهان هستند. آتش جنگ دولتها در راستای تامین منافع و مطامع این شرکتهاست. منابع زیرزمینی سوخت فسیلی بطور طبیعی در مناطق جغرافیایی ویژه ای در جهان، متمرکزند و هزینه ی فرایند استخراج و حمل و نقلشان، بسیار گران تمام می شود. از اینرو، ثروت هنگفتی را از آن معامله گران و صاحبان دولتی و خصوصی قلیلی می کند. این تمرکز ثروت به تمرکز قدرت سیاسی می انجامد که پیامدی بجز فساد قانونی و غیرقانونی، ندارد. بدین ترتیب، شرکتها و کنسرسیوم های نفتی و سوخت فسیلی، مشمول مجازات نمی شوند.

در اینصورت، آیا نخستین واکنش جنبش زیست محیطی می بایست خلع قدرت اقتصادی- سیاسی از شرکتهای مذکور باشد؟

نانومی کلاین: مسلماً، نباید بر قدرت آنان بیفزاییم. جنبش زیست محیطی به همین دلیل با تمامی قراردادهای تجارت آزاد نظیر تجارت آزاد بین اروپا و آمریکا، ترانس پاسیفیک پارتنرشپ تی پی پی، و قرار داد بین اتحاد مشترک اروپا و کانادا، مخالف است. ما تلاش می کنیم تا آیین نامه ها و مقررات بویژه مالیاتی دشوارتری برای این شرکتها، تصویب گردد و بر لابی ها و تبلیغات انتخاباتی و سخنرانیهای آنان در راستای افشای سیاستهای ضد اکولوژیستی، موثر واقع شویم. چنین رویکردی الزامی است، ولی، پایان کار نیست! جنبش زیست محیطی می بایست به افشاء گری همه جانبه علیه شرکتها سوخت فسیلی فراملی اقدام ورزد و افکار عمومی را متوجه ی شیوه های ضد زیست

محیطی و مخربشان جهت وصول سرمایه های کلان، نماید و دولت‌ها را به کنترل عملکرد و ثروتهای آنان وادار سازد تا استفاده ی بی وریه از سوخت فسیلی را متوقف سازند. این نخستین گام فعالان جنبش زیست محیطی است. تضعیف قدرت شرکت‌های مزبور نقطه‌ی آغاز فعالیت‌های جدی علیه گرم شدن زمین و تخریب محیط زیست، بحساب می آید. زیرا، آنچه این شرکت‌ها را قدرتمند می سازد، " ارزش اضافی کلانی" است که در مسیر تخریب محیط زیست، کسب می کنند .

چه برخوردی می توان با کارگران و کارمندان این شرکتها داشت؟ آیا اتحادی بین آنان و فعالان جنبش زیست محیطی می تواند صورت پذیرد؟

نانومی کلاین: ما نیازمند واکنشی عادلانه به تغییرات زیست محیطی هستیم. رویکردی که در گام نخست بصورت یک سیاست مشخص، چگونگی جایگزینی منابع تولید انرژی کارآمد و زیست محیطی بعوض سوخت فسیلی و مبارزه برای دستیابی به آن را شرح دهد. در این راستا، کارگرانی که شغلشان را در بخش صنایع وابسته به سوخت فسیلی از دست می دهند می بایست اطمینان حاصل کنند که در بخشهای تولید انرژی از منابع جدید، نظیر بخش راندمان انرژی، حمل و نقل همگانی و ... بکار گمارده می شوند. در حقیقت، کار و فعالیت در بخشهای مزبور بویژه قسمت استخراج، در مقایسه با بخش های صنعت سوخت فسیلی، بسیار بیشتر است. سالهای اخیر، سرمایه گذارهای کلانی در بخش استخراج صنعت سوختهای فسیلی شده است. در عین حال، دولت‌ها به عقد قراردادهای گسترده ای مبین عدم خواستشان مبنی بر سرمایه گذاری در بخش انرژیهای تجدید شذنی، اقدام ورزیده اند و در سراسر اروپا حمایتشان از صنعت

انرژیهای تجدید پذیر و پاک را کاهش یا قطع کرده اند. بدین ترتیب، اشتغال در صنعت سوخت فسیلی متمرکز و انباشت می شود. هنگامیکه، صنعت سوخت فسیلی بویژه بخش استخراج، تنها منبع درآمد کارگران و مزدبگیران باشد، آنان حق دارند برای حفظ شغلشان، مبارزه کنند .

از دیگر سو، شواهد بر ارتقاء خواست بهره گیری از منابع تولید انرژی های تجدید پذیر در جهان نیز، صحه می گذارد. این، شرایط مادی اتحاد بین جنبش کارگری و جنبش زیست محیطی در راستای مبارزه برای کارآفرینی و اشتغالزایی زیست محیطی را مهیا و تسهیل می سازد. هم اکنون، پیوستگی بین فعالان جنبش کارگری و فعالان جنبش زیست محیطی در جریان است. بعنوان مثال، مدتی پیش، یک ائتلاف از اتحادیه های گوناگون در کشور انگلیس درخواستی مبنی بر ایجاد یک میلیون شغل زیست محیطی برای کارگران، صادر کرد. ما باید بخاطر داشته باشیم که این فعالان جنبش زیست محیطی نیستند که فرصتهای شغلی در بخش سوخت فسیلی را از کارگران می ربایند. صد هزار شغل در بخش صنایع گاز و نفت با کاهش فزاینده ی قیمت نفت در ماههای اخیر، از بین رفت. این مساله نشان می دهد که دل بستن به کار آفرینی در صنعت وابسته به کالاهایی مانند گاز و نفت که قیمتشان بسرعت بالا و پایین می شود، بسیار خطرناک و نادرست است. تولید انرژی از آب و باد و خورشید، یکی از جنبه های مفید این منابع بشمار می آید که قیمتشان به شدت سوخت فسیلی تحت تاثیر نوسانات بازار، قرار نمی گیرد. اکنون، تعامل و همکاریهای قابل توجه ای بین کارگران و اتحادیه های کارگری و فعالان زیست محیطی، انجام پذیرفته است .

تغییرات زیست محیطی را یک فرصت بشمار می آورید که پروسه ی جایگزینی منابع تولید انرژی را جذاب و اثرگذار می کند. چگونه می توان کنش و واکنشهای زیست محیطی را برای توده هایی که چنین پروسه ای را بسیار دشوار و بغرنج بحساب می آورند، جذاب و آنانرا به فعالیتهای زیست محیطی، جذب نمود؟

نائومی کلاین: این کار آنچنان که به نظر می رسد سخت و دشوار نیست. معضل زیست محیطی برآیند اجرای سیاستهای ضد زیست محیطی در طی حداقل دو دهه ی اخیر است. صورتحساب این سیاستهای ناعادلانه و بی رحمانه را مصرف کنندگان و طبقه ی کارگر، دریافت کرده اند. بنابراین، ارتباطی طبیعی و تنگاتنگ بین تخریب محیط زیست و افزایش هزینه ی زندگی اکثریت شهروندان، وجود دارد. پرداخت چنین هزینه ای بهنگام شکوفایی اقتصادی بی گمان توجه ی مصرف کنندگان را بخود جلب نمی کند. ولی، مردم با آغاز بحران ساختاری اقتصادی اخیر دریافته اند که وظیفه ی پرداخت هزینه ی سنگین بحران مالی به بانکها، بردوش آنان است. به بیانی صریحتر، توده های زحمتکش هزینه ی عملکرد متخلفان را می پردازند و وضعیت معیشتی شان وخیم تر می گردد. اما، کمپانی های خاطی تحت پیگرد قانونی قرار نمی گیرند و کماکان در حال انباشت سود و سرمایه هستند. این نابرابری و بی عدالتی ها موجبات اعتراض و قیام های توده ای را فراهم ساخت که کماکان ادامه دارد .

ما بطور روشن نیاز داریم تا به جمعیت ناراضی یاد شده یک تصویر روشن از دلایل بحران اکولوژیستی و راه برون رفت از آنرا، ارائه دهیم. آنان را متوجه سازیم که هزینهی تغییر منابع تولید انرژی از جیبشان نباید پرداخت شود و منافع آنان نمی بایست قربانی منافع عملکرد ضد اکولوژیستی شرکتها، گردد.

اگر این مساله برای اکثریت بطور صحیحی توضیح داده شود، آنگاه حاضرند علیه سیستم و سازوکارها و کارگزاران تقسیم ناعادلانه ی ثروت و بحران زیست محیطی، بپاخیزند.

در کتابتان عنوان کرده اید که آنچه جهت سازماندهی و بسیج نیروهای توده ای در حرکت‌های پیشین، توضیح داده شده کافی نیست و ما نیازمند یک درک و فهم فراگیرنده از چرایی تغییر سیستم، هستیم. چه کسی بساط چنین بصیرتی را مهیا می سازد؟

نائومی کلاین: چنین تفکری طی یک پروسه ی دموکراتیک آماده و قابل اجراست. من فکر نمی کنم که یک نوع روش برای همه جا صادق و ثمربخش باشد. مثلاً آنچه در فرانسه یا در یک منطقه از فرانسه قابل اجراست ناگزیر برای کاتادا و هند، اثربخش نیست. آنچه به آن نیازمندیم یافتن راه‌لهایی می باشد که در این خصوص، در هر کشور، منطقه و شهر، اثربخش و مفید واقع گردند. قدر مسلم، وقتی مردم گرد هم آیند؛ قادرند راه حل سودمند و موثر را نیز، بیابند. بعنوان مثال، شهر بسیار سبزی در شرق آمریکا، در نزدیکی بلینگهام، واشنگتن، قرار دارد. طرحی مبنی بر بنای یک واحد بسیار بزرگ صادرات زغال سنگ در نزدیکی منطقه ی مزبور، پیشنهاد و در دستور کار قرار گرفت. در ابتدا، نزاع بسیار سختی بین فعالان زیست محیطی و کارگران، پیرامون طرح مزبور، سرگرفت. پس از گذشت مدتی، ائتلافی محلی بین فعالان زیست محیطی مخالف طرح مزبور و شهروندان به رهبری مردمان بومی، "قوم لومی" صورت گرفت. بدین ترتیب، اتحادیه ها طرحی ارائه دادند که تمامی کارگران مذکور را استخدام می کرد ولی منطقه ی سبز را نه تنها تخریب

نمی ساخت، بلکه توسعه نیز می داد. مضاف بر اینها، به صدور سوخت فسیلی به آسیا، مبادرت نمی ورزید. این فقط یک مثال و یک پروژه بود که بگویم مساله ی اصلی این است که گفتگوها ادامه یابند تا راه حل ها را بیابیم. بعنوان مثال، مبارزه برای سیستم حمل و نقل همگانی با قیمت مناسب و مبارزه علیه تغییرات زیست محیطی به یکدیگر ربط دارند. بنابراین، معضل زیست محیطی می بایست در اعتصابات کارگران راه آهن علیه سیاستهای خصوصی سازی، مطرح شود. عدم طرح و گفتگو پیرامون بحران زیست محیطی در چنین اعتراضات و تحصن هایی کوتاهی و چشم پوشی از نکته ای مهم و اساسی در روند دستیابی به راه حلی موثر و قابل اجرا با استفاده از پتانسیل توده ای به نفع جنبش پایداری علیه ریاضت اقتصادی و تخریب محیط زیست، بشمار می آید.

در رابطه با "سرزمین جدید"، "بلوکادیا" صحبت می کنید. "بلوکدیا" چیست؟

نانومی کلاین: "بلوکدیا" از اعتراضی در ایالت متحدهی آمریکا علیه خط لولهی راه آهن کی استون، ریشه می گیرد که در جنبش پایداری علیه استفاده بی رویه از سوخت فسیلی، مرسوم گشت. معترضان به ساخت خط لولهی راه آهن با استفاده از ریگمال قیر که از کثیف ترین تولیدات نفتی است توسط شرکت ترانس کانادا، با گرفتن دست یکدیگر حصاری دور درختان ایجاد می کردند و "بلوکادیا" می نامیدند. این تاکتیک توسط بسیاری از فعالان محیط زیست در مناطق مختلف جهان، مورد استفاده قرار گرفت تا "بلوکدیا" در جنبش زیست محیطی، شهرتی جهانی یافت. البته ریشه ی اصلی واژه ی مزبور به اعتراض "اوگانی"، گروهی از مردم اندونزی مستقر در جنوب شرقی کشور

نیجریه، علیه کمپانی "شل" در سال ۱۹۹۰، باز می‌گردد. اعتراض موفقیت آمیزی که کمپانی "شل" را بدانگونه از منطقه ی آنان بیرون انداخت که هرگز بازنگشت.

به نظر می‌رسد هیچ چشم اندازی از کنفرانس بین المللی محیط زیست در ماه دسامبر سال ۲۰۱۵، ندارید. چه چشم‌داشتی می‌توان از روند مذاکرات بین المللی داشت؟

نانومی کلاین: ما باید رنالیست باشیم و این حقیقت را بپذیریم که توافقی مبنی بر آنچه دانشمندان برای نجات زمین اصرار دارند از مذاکرات این کنفرانس، بیرون نخواهد آمد. بر پایه ی تاکید دانشمندان انتشار گازهای گلخانه ای می‌بایست هر چه سریعتر از ده به هشت، کاهش یابد. این در حالی ست که دولت‌ها پیرامون کاهش ۲ تا ۳ دهم درصدی آنهم طی ده سال آینده، گفتگو می‌کنند که به هیچ وجه با میزان تاکید شده ی دانشمندان همخوانی ندارد. اشتباه بزرگی است اگر فکر کنیم می‌توانیم سیاستمداران را تا هشت ماه دیگر متقاعد کنیم. آنچه پس از نشست کپنهاگ در سال ۲۰۰۹، اتفاق افتاد بسیاری را افسرده و مایوس ساخت. بنابراین، نشست پاریس را می‌بایست پایان پروسه ی مزبور بحساب آورد. ویژگی کنفرانس مزبور مکان برگزاری آن، "پاریس" و "اروپا" می‌باشد که از هنگام آغاز بحران اقتصادی شدیداً از موضوعات زیست محیطی، فاصله گرفته است.

بحران زیست محیطی تنها توسط نخبگان و سیاستمداران شناسایی نمی‌شود. بلکه، توده ی مردم عادی و فعالان زیست محیطی نیز سهم بسزایی در شناسایی و راه‌های برون رفت از آن، دارند. هر اندازه معضلات زیست محیطی عیانت‌تر

گردند، ما بیشتر پیرامون آن به گفتگو می نشینیم و محتوای گفتگوها طی پروسه های پی در پی، تغییر می یابند. آنچه باید به شدت از آن دوری کرد سخنان عوام فریبانه و بی معنا، نظیر تقلیل ۲۰ درصدی میزان انتشار گازهای گلخانه ای تا سال ۲۰۱۳ یا تعطیلی تمامی شرکتهای سوخت فسیلی در آینده است. قدر مسلم، رخدادهای بی شماری می تواند تا هشت ماه دیگر، روی دهند. اما، بسیاری از رخدادهای آینده به قیمت نفت بستگی دارد. بعنوان مثال، فراخوان مبنی بر ممنوعیت پروژهای استخراج نفت خام از شمالگان به مثابهی بزرگترین پروژه صنعتی در جهان که می تواند موفقیتی ساختاری برای جنبش زیست محیطی بشمار آید اصلا در دستور کار کنفرانس پاریس نیست. اما، ما نمی توانیم پیرامون تلاش و کوشش جهت قرار دادن چنین فراخوانی روی میز کنفرانس مزبور را، متوقف سازیم یا تمام امیدمان را در این رابطه از دست بدهیم.

چه پیشنهادی برای افرادی دارید که مایلند با تغییر در زندگی روزمره ی خود در حل بحران مزبور مفید واقع شوند؟

نانومی کلاین: کاهش استفاده از سوخت فسیلی در زندگی روزمره نه تنها برای محیط پیرامون بلکه در رفع ناهنجاری ها و حفظ سلامت زندگی خصوصی، موثر است. بسیاری از شهروندان در جهان از مدتها پیش به اقدامات لازم زیست محیطی در زندگی خصوصی، مبادرت ورزیده اند. اما، هنگامیکه تمامی تلاشهای فردی اشان را بی ثمر می بینند دچار نوعی افسردگی و یاس می گردند. از اینرو، من پیوسته همگان را به مشارکت در همایش، گردهمایی و اعتراضات گروهی، محلی و منطقه ای که شهروندان هر منطقه از مراکز

آموزشی، بهداشتی و .. می خواهند که استفاده از سوخت فسیلی را کاهش دهند، تشویق و ترغیب کرده ام. زیرا، بحث محیط زیست بهتر است از چارچوب زندگی شخصی و خانواده بیرون بیاید و به کوچه و محله و خیابان برسد. این موضوع مهمی است که ما بپذیریم؛ " زمانی قدرتمندیم که بصورت دستجمعی و گروهی عمل کنیم!"

آیا مهار رشد تولید و مصرف به نظر شما یک راه حل است؟

نائومی کلاین: بطور کلی، ما به سیستم اقتصادی نیازمندیم که استفاده از منابع سوخت فسیلی را کاهش دهد. به نظر من، اتخاذ سیاست مهار رشد تولید و مصرف به مثابه هدف اصلی یک اشتباه می باشد؛ مهار رشد تولید و مصرف تنها به این دلیل که رشد بی رویه قلب مشکل است، نمی تواند سیاست راهبردی، صحیحی باشد. اگر بپذیریم مشکل این است که معیار سنجش کامیابی اقتصادی از طریق رشد تعریف می شود لاجرم باید بپذیریم که راه حل؛ تغییر ارزیابی و سنجش رشد است. مفاهیم نسبت به شرایط زمانی و مکانی متفاوتند. بنابراین، استفاده از مفهوم " مهار رشد" بویژه در عصر حاضر که توده‌ی زحمتکش، سیاستهای ریاضت اقتصادی بی رحم و خشنی را تجربه می کنند استراتژی ارتباطی هوشمندانه و صحیحی، نیست.

آیا می توان به بحران زیست محیطی از طریق شیوه های فنی و تکنیکی، غلبه کرد یا این بحران کاملاً سیاسی است؟

نائومی کلاین: این موضوع بسیار بغرنج است. انرژیهای تجدید پذیر به تکنولوژی ربط پیدا می کنند و کلیه‌ی عرصه‌های علمی و تکنولوژیک با

پیشرفتهای چشم گیری روبرو بوده اند. کشاورزی بومی بمعنای برگشت به کشاورزی سنتی نیست. بلکه، تلفیقی از دانش کهن و شیوه های کشاورزی نوین است. در حقیقت هیچگونه تغییر یا ادغامی در سیستم مصرف از منابع رخ نداده است. بنابراین، تمرکز بر راه حل های فنی این نظر و پندار نادرست را بوجود می آورد که ما به هیچ تغییر دیگری بجز تغییر منابع مصرفی، نیازمند نیستیم. این در حالی ست که یک استراتژی جهت کاهش تقاضا که بطور دقیق میزان مصرف انرژی را کاهش دهد، ضروری و الزامی است. این تفکر که با اتکاء به علم و دانش می توانیم بطور معجزه آسایی موجب کاهش تابش خورشید یا دمای آن شویم به اندازه ی نظریه ای که موجد اصلی بحران زیست محیطی گشت، گستاخانه و مزورانه است.

آیا راهی دیگر جهت مبارزه با تخریب محیط زیست و تغییرات سریع آب و هوایی بجز مبارزه با سیستم سرمایه داری، وجود دارد؟

نانومی کلاین: نه، به نظر من راه دیگری وجود ندارد. مدتهای طولانی است که راههای دیگر را امتحان می کنیم. اگرچه هنوز گرایشی در جنبش زیست محیطی بدنبال راهی جهت حل بحران بدون صدمه زدن به منافع و قدرت سیاسی -اقتصادی حاکمان، است. اما، رک و پوست کنده می گویم که این یک استراتژی کاملاً غلط و نادرست است. اگر سیستم سرمایه داری در عرصه های دیگر برای اکثریت مردم، سودمند و اثربخش بود و صحیح عمل می کرد، می توانستیم استراتژی اتخاذ کنیم که سیستم را حفظ کند و فقط بر بحران زیست محیطی متمرکز گردد. البته، آنزمان هم چگونگی و کارایی چنین استراتژی زیر سوال می رفت. در حقیقت، سیستم اقتصادی سرمایه داری در ترم و مفاهیم خود نیز،

شکست خورده است. سیستم سرمایه داری در هیچ عرصه ای به اندازه ی دوران ما شکست خورده و ناموفق نبوده است. نولیبرالیسم اقتصادی موجبات فقر و نابرابری غیرقابل وصفی را در جهان سبب شده است. امروزه، اکثریت مردم جهان، پی ریزی مدل اقتصادی نوینی را امری ضروری و حیاتی می دانند. لذا، جنبش عدالت طلبانه ی زیست محیطی در راه حل هایش می بایست کارآفرینی، اشتغالزایی، ایجاد امکانات همگانی بهتر و ارزانتر از جمله امکانات نقل و انتقال را در نظر بگیرد. بطور کلی، ساز و کارهایی که بهبود وضعیت زندگی روزمره ی اکثریت را رهنمون دهند. در این صورت، مردم آماده ی نبرد برای تثبیت چنین سیاستهایی می شوند که ضرورتاً نبردی علیه سیستم سرمایه داری است.

مشکل اصلی این است که ما دشمنان بسیاری داریم؛ شرکتهای فراملیتی سوخت فسیلی با تمام قدرت با هر گونه خلاقیت، نوآوری بطور بسیار کریه و بد منطری، مبارزه می کنند. آنان هر کاری می کنند تا موفق شوند. در این میان، طبقه ی متوسط احساساتی وجود دارد که بدلیل شک و تردید از نتیجه ی مبارزه، حاضر به مشارکت در جنبش نیست. اما، یک برنامه ی اقتصادی عادلانه با اقدامات زیست محیطی قادر است جمعیت انبوهی را سازماندهی کند که حاضر باشند برای آینده ای بهتر و دست یافتن به جامعه ای که بطور بی واسطه و مستقیم منافع آنان را تامین می کند، به نبرد بپاایزند.

آیا شما به چنین مساله ای خوش بینید؟

نائومی کلاین: مساله خوش بین بودن یا بد بین بودن نیست. ما همگی احساس بدبینی داریم. تمامی کسانی که به شما اطمینان می دهند که در این

جنگ پیروز می شویم، فریبکار یا دیوانه اند. اما، ایجاد یاس و حرمان در شرایط کنونی بسیار مشمنز کننده تر است. بحران زیست محیطی زندگی شهروندان جهان را با خطری جدی مواجه ساخته است و این بحران بطور فزاینده ای در حال رشد است. بدین جهت، حتی اگر کوچکترین شانس و احتمالی جهت تغییر سیستم وجود داشته باشد باید مبارزه کرد تا آنرا افزایش داد. حتی اگر این موضوع را صرفاً بعنوان یک وظیفه ی اخلاقی در نظر بگیرید نه خوش بینی!

وضعیت محیط زیست بشدت بحرانی است و واقعیات مسلم هشدار می دهند که دیگر فرصتی برای وقت تلف کردن نداریم. ما نمی توانیم این جنگ را ببازیم، در یک شرایط حاد و ضروری قرار گرفته ایم که می تواند سبب ساز نیل به اهدافی شود که بسیاری سالها و دهه های متمادی بخاطر آن مبارزه کرده اند.

ترجمه: آناهیتا اردوان

چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۴ - ۱۰ ژوئن ۲۰۱۵

*نانومی کلاین، نویسنده ی کتاب معروف این همه چیز را تغییر می دهد.

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری